

چرا دولت جدید را باید مقدمه‌ای بر دولت‌سازی نوین دانست؟

دولت سیزدهم؛ دولت کادرساز

ایلیا داوودی
روزنامه‌نگار

دو‌الزام اساسی پیش روی عبور موفق از مرحله دولت‌سازی وجود دارد. مسأله اول، طراحی نظامات اداره جامعه بر اساس مبانی و اصول است و مسأله دوم تربیت کادر و کارگزار کارآمد است. در شرایط امروز ایران، نتخبگان سیاسی بیش از هر گروه دیگری در کارآمدسازی نظام و پیشرفت در شاخص‌های توسعه تأثیرگذار تعیین‌کننده‌اند. نوع عمل نتخبگان در این برهه تاریخی می‌تواند تأثیرات بسیار مثبت یا بسیار منفی بر روند توسعه در ایران بگذارد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین مسائل امروز ایران، طراحی و تدوین الگوی پرورش نتخبگان سیاسی و حکومتی از میان نسل‌های جوان، دانشگاهی و جزوی کشور است. با وجود گذشت چند دهه از استقرار نظام سیاسی جمهوری اسلامی، بررسی‌های آسانمند و مرانماده‌همچنین روند شکل‌گیری تشکل‌ها و احزاب مهمی چون مؤتلفه اسلامی، کارگزاران سازندگی، جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت ایران اسلامی و حزب اسلامی کار نشان می‌دهد که هیچ‌گونه نشانی از برنامه‌ریزی هدفمند قابل توجهی در خصوص کم و کیف تربیت نتخبگان سیاسی و آماده‌سازی آنان برای برعهده گرفتن مسئولیت‌های سیاسی و اجرایی آینده کشور وجود ندارد. موارد نام برده از آن جهت مورد اشاره قرار گرفته‌اند که عمدتاً جریان‌های فکری منتسب به آنها همواره در نقد عدم نهادسازی و عدم تحزب گفته و نوشته‌اند. تازه‌ترین نمونه این تحلیل‌ها تھی خواندن دولت در ایران از کادر است که به زعم مدعیان گزاره، دولت سیزدهم مصداق این موضوع است؛ در این نوشتار به بررسی این ادعا و دلایل نادرستی آن پرداخته خواهد شد.

■ **مفهوم کادرسازی و الزامات آن**
منظور از کادر، کارگزاران حکومت هستند که صلاحیت‌های نظری و عملی برای کسب مسئولیت در مناصب حاکمیت را دارند. در ادبیات رایج، نزدیک‌ترین مفهوم به کادر و کارگزار، مفهوم نتخبگان سیاسی است.

رژیم صهیونیستی: تحولات از کنترل ما خارج است

«جبهه داخلی» صهیونیست‌ها فروپاشیده است

عماد هالانت

پژوهشگر حوزه روابط بین الملل تحولات جاری در سرزمین‌های اشغالی شدت بسیار زیادی پیدا کرده است و فلسطینیان ضریب مواجهه با رژیم صهیونیستی را به مراتب نسبت به گذشته افزایش داده و نوع مواجهه و عملیات استشهادی نسبت به گذشته تفاوت پیدا کرده است. رویکرد جدیدی که در ماه‌های گذشته تأثیر خود را به خوبی نشان داد و رژیم صهیونیستی را در حالت بحرانی قرار داده است. رژیم صهیونیستی در گذشته تنها غزه را به عنوان عامل اصلی مواجهه و تهدید خود می‌دانست، اما اکنون نزاع به کرانه باختری و سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ کشیده شده است. فلسطینی‌ها عملیات‌های مختلفی را در ماه‌ها و روزهای اخیر در این مناطق علیه رژیم صهیونیستی صورت دادند که نسبت به گذشته تحولی بسیار راهبردی محسوب می‌شود.

■ **راهبرد جدید**

در طول مواجهه مقاومت مردم فلسطین با رژیم صهیونیستی در طول سال اخیر، تنوع و پیچیدگی عملیات و میزان تلفات نسبت به گذشته بشدت افزایش پیدا کرده است. عملیاتی که میزان تلفات آن از جنگ ۱۱ روزه سال ۲۰۲۱ برای رژیم صهیونیستی بیشتر بوده است. در طول بازه زمانی اول فروردین ۲۰۲۴ فروردین ۴ عملیات از سوی فلسطینی‌ها جنوب (بئرالسیع نقب) تا شمال (تل آویو) رخ داد که در سال‌های اخیر این حجم از عملیات در کنار تعداد تلفات جانی صهیونیست‌ها (۱۲) در امر کالی‌فوری سابقه‌ای است. عملیات اول در بئرالسیع ۴ نفر، فلسطینی دوم در الخضریه ۲ نظامی، عملیات سوم در بنی براک تل آویو ۵ نفر و در عملیات چهارم و آخر در خیابان دیزنکوف ۳ نفر به هلاکت رسیدند.

از سویی دیگر مسجدالاقصی هم در ۲۶ فروردین شاهد نزاع و درگیری بسیار سنگین و مقاومت مردم فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست بوده است به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی با حمایت پلیس و ارتش به داخل مسجدالاقصی یورش برده و بیش از ۱۵۰ نفر از فلسطینیان زخمی و بیش از ۴۰۰ نفر از آنها بازداشت شدند. به نظر می‌رسد فلسطینی‌ها راهبرد جدید خود را اتخاذ کرده و آن عبارت از انتقال کانون نزاع از غزه به کرانه باختری و سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ است.

نتخبگان سیاسی به‌عنوان بخش اصلی قدرت حاکم‌اند که رفتار سیاسی آنان حوزه وسیعی از جامعه را تحت مدیریت خویش درمی‌آورد. هر نظام سیاسی تلاش می‌کند کارگزاران و نتخبگان سیاسی خود را بر مبنای چهارچوب‌های نظری و مطلوب‌های علمی و عینی خود شناسایی کند و پرورش دهد. توجه به مقوله پرورش نتخبگان یا کادرسازی از آن رو برای بسیاری از حکومت‌ها و

نظام‌های سیاسی مهم است که این افراد تأثیرگذارترین افراد در فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها به شمار می‌روند و سعادت مادی و معنوی را برای مردم رقم می‌زنند. مفهوم نتخب پروری نیز عبارتی است از یک برنامه یا فرایند چند مرحله‌ای که طی آن افرادی از میان نتخبگان شناسایی می‌شوند و بر اساس سوابق، تجربیات، توانمندی و شایستگی‌ها در فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی پرورش می‌یابند تا بتوانند در مناصب مختلف اجرایی و سیاستگذاری نظام حکمرانی ایفای نقش کنند. لذا هدف نتخبه پروری، کادرسازی برای حکومت است و به‌عنوان یک سیاست در پی برآوردن و تربیت کردن رجال گرینش شده برای تصدی مسئولیت‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی کشور است. محیط تربیتی مناسب برای کادرسازی بایستی در گام اول، بیشترین اشرف را نسبت به کلیت مسائل حکمرانی ایجاد کرده و در عین نمایش مسائل و مشکلات، بتواند ظرافت‌های عملیاتی و محدودیت‌های اجرایی را نیز به نمایش بگذارد. تفاوت جدی یک کادر با پژوهشگر حوزه سیاستگذاری این است که کادر حکومت علاوه‌بر اشرف عمومی بر اهم مسائل سیاستگذاری، درک صحیحی از محدودیت‌های اجرایی میدان عمل دولت دارد. این امر اقتدار اهمیت دارد که می‌تواند مراحل سیاستگذاری را دستخوش تغییرات جدی نماید. از جمله پیش‌نیازهای محیط تربیتی مناسب برای کادرسازی، مسأله ارتباطات مستمر است. تربیت اساساً در بستر زمانه بلندمدت شکل گرفته و در ارتباط مداوم فرد با محیط و کسب تجربیات جدید، رقم می‌خورد. فرایند یادگیری امری انباشتی بوده و بهترین مدل یادگیری آموختن و تجربه

کردن توأمان است. توأمان بودن یادگیری‌های نظری در کنار تجربیات نظری، ظرفیت‌های ذهنی و وجودی افراد را توسعه داده و زمینه‌ساز مناسبی برای ساخته شدن فرامی می‌کند. ایجاد یک ساخت پایدار تربیتی در ذهن و شاکله وجودی افراد و رسوخ ارزش‌های هر نظام سیاسی، امری بلندمدت و نیازمند استمرار است.

■ **تصویرسازی برای دولت‌هراسی**

یکی از روندهایی که با روی کار آمدن دولت سیزدهم بسیار مورد توجه منتقدان قرار گرفته، آن است که برخی رسانه‌ها و فعالان سیاسی با ارائه روایت‌هایی به تصویرسازی از دولت کنونی برای افکار عمومی بپردازند و سعی داشته باشند برساخته‌هایی غیرواقعی و مطابق با دیدگاه و منافع خود ارائه دهند. روندهای رسانه‌ای علیه رئیس جمهور کنونی از انتخبات با ۹۶ با طرح مباحثی علیه آیت‌الله رئیسی که در آن زمان نامزد انتخابات بود، آغاز شده بود. با روی کار آمدن دولت دوازدهم این روند کم‌رنگ شد تا اینکه در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ دوباره برجسته شد. این بار برخی نامزدها با طرح مباحثی غیراخلاقی و غیرواقعی سعی کردند از محبوبیت آیت‌الله رئیسی نزد طرفدارانش بکاهند و آرای قشر خاکستری را که قصد داشتند به‌وی‌رای دهند، دفع کنند. با روی کار آمدن دولت سیزدهم این هجمه‌ها شکل دیگری به خود گرفت و علیه ماهیت دولت کنونی و مدیران آن تنظیم شد. این روند را می‌توان ذیل عنوان «دولت‌هراسی» تفسیر کرد. پیش‌برندگان این روند را ابتدای فعالیت دولت به مسائلی همچون تحلیل قوام و انسجام دولت براساس مشارکت کنندگان در انتخابات می‌پرداخت و با آغاز به کار کابینه و فرایندهای مربوط به رای اعتماد، سوی هجمه خود را به سمت چپش کابینه و اعضای آن هدف گرفت. اکنون نیز در حالی که هنوز تازه چند ماه از آغاز به کار دولت گذشته، عده‌ای با تحلیل‌های کلی، غیردقیق و گمراه‌کننده سعی دارند قضایاتی کلی درباره دولت را ترتیب دهند. تازه‌ترین کلی تحلیل‌ها تحلیلی است که با اشاره با ساخت کلی دولت در ایران، دولت کنونی را در امتداد دولت‌های

قبلی خالی از کادر قلمداد می‌کند و از این طریق سعی دارد آن را بی‌هویت و ناکارآمد جلوه دهد. چنین تحلیل‌هایی اولاً نظریه‌های مرتبط با موضوع را به طور ناقص مورد استناد قرار می‌دهند و ثانیاً با توجه به آنکه مقطعی و نوسانی طرح می‌شوند (بخوانید در زمان روی کار آمدن دولت‌های رقیب!) شائبه سیاسی کاری و سیاست زدگی در آنها پررنگ است.

روشن است که جوانگرایی قطعاً به معنای واگذاری همه امور به جوانان نیست، اما به باور ناظران توجه به تجربه افراد موفق نیز نباید به معنای آن باشد که عرصه بر ورود جوان‌ها به مناصب جدید بسته باشد. ظرفیت‌سازی و کادرسازی در واگذاری مسئولیت‌ها از اولویت بالایی برخوردار است. بر این مبنا باید جوانان متخصص و توانمند را با برنامه‌ریزی، پندیرج وارد عرصه مدیریتی در سطوح مختلف کرد. رئیس جمهور نیز که در زمان رقابت‌های انتخاباتی به طور پررنگ جوانگرایی را مورد توجه قرار داده بود و استفاده از جوانان و نتخبگان را رویکرد جدی دولت آینده خوانده بود، پس از پیروزی در انتخابات بارها به مناسبت‌های مختلف از جوانگرایی صحبت کرده و ترکیب مدیریتی در بدنه دولت نیز نشان دهنده صدق عملی همین صحبت‌ها است. اگر بخواهیم با اندکی

مسامحه تعینی به نام کادر و مقوله‌ای به نام کادرسازی را بپذیریم، آن‌گاه باید گفت که اتفاقاً دولت سیزدهم مظهر کادرسازی و استفاده از نیروهای کادر است. نگاهی به آرایش نیروهای مدیریتی در ساختار و بدنه دولت نشان می‌دهد که از یک سو استفاده از مدیران با تجربه‌ای که سال‌ها به دلیل نگاه سیاسی دولت‌ها کنار گذاشته بودند، پررنگ است و از سوی دیگر به کارگیری مدیران جوانی که در آغاز راه قرار دارند و توانسته‌اند کارآمدی خود را در سطوح پایین‌تر قبلی که بوده‌اند، به اثبات برسانند، قابل توجه است. شاید بتوان پذیرفت که دولت فعلی دولت کادری‌نست، چراکه اساساً دولت‌های قبل و نه احزاب خودساخته و خودخوانده موجود کادری نساخته‌اند وعمده آنها جز به منافع گروهی و جناحی نیندیشیده‌اند. اما می‌توان



پانگه نظیف رسایی دولت

شاید بتوان پذیرفت که دولت فعلی دولت کادرها نیست، چرا که اساساً نه دولت‌های قبل و نه احزاب خودساخته و خودخوانده موجود کادری نساخته‌اند و عمده آنها جز به منافع گروهی و جناحی نیندیشیده‌اند. اما می‌توان دولت کنونی را دولتی کادرساز دانست که اتفاقاً سنگ بنای مسیری را نهاده که انتهای آن به کادرسازی موفق خواهد انجامید

ثانیاً فهم اشتباه خود مقدمه‌ای انحرافی بر نظام مسائل مرتبط به حساب آید. به نظر می‌رسد برخی نقدها تنها در زمانی و از سوی کسانی مطرح می‌شوند که دولتی ناهمسو با آنها روی کار می‌آید. در هر صورت نباید از نظر دور داشت که آنچه کشور را بدین نقطه کانونی رسانده در کنار ناکارآمدی‌های انباشتی دولت‌ها، نظرات ناصواب و ناقص فعلی است که حتی اگر با چشم پوشی از خطاهای فاحش تحلیلی موجود، فرض شود که صحبت‌های این افراد درست است، باید گفت که این دسته از تحلیل‌ها و گمراه‌کننده برخی کسانی است که ذیل عنوان نتخبگان سیاسی، در طول این سال‌ها هیچ خروجی مشخصی نداشته‌اند و جز اینکه روی به ساده‌ترین کار یعنی ترجمه صرف آنچه در کشورهای دیگر گفته و نوشته و انجام شده، نتوانسته‌اند نسخه اجرایی مشخصی را برای حاکمیت و ارتقای سطح کیفی عملکرد دولت پیشنهاد دهند.

ایران وجود دارند باید پاسخ دهند که تا چه اندازه توانسته‌اند در انتخابات نقش آفرینی کنند و تا چه اندازه نتوانسته‌اند حضور مؤثر خود را در دولت‌ها به منصفه ظهور برسانند؟ نکته قابل توجه آن است که حتی اگر با چشم پوشی از خطاهای فاحش تحلیلی موجود، فرض شود که صحبت‌های این افراد درست است، باید گفت که این دسته از تحلیل‌ها و گمراه‌کننده برخی کسانی است که ذیل عنوان نتخبگان سیاسی، در طول این سال‌ها هیچ خروجی مشخصی نداشته‌اند و جز اینکه روی به ساده‌ترین کار یعنی ترجمه صرف آنچه در کشورهای دیگر گفته و نوشته و انجام شده، نتوانسته‌اند نسخه اجرایی مشخصی را برای حاکمیت و ارتقای سطح کیفی عملکرد دولت پیشنهاد دهند.

دولت کنونی را دولتی کادرساز دانست که اتفاقاً سنگ بنای مسیری را نهاده که انتهای آن به کادرسازی موفق خواهد انجامید.

■ **نقض غرض!**

دولت‌ها از کادر تهی نمی‌شوند و کادرها زوددنی نیستند، زیرا اساساً این دولت‌ها نیستند که خود را از کادرها می‌سازند، بلکه این کادرها هستند که باید دولت‌ها را به وجود آورند. کادرها از دل تشکیلات سیاسی منسجم به وجود می‌آیند که برجسته‌ترین آنها نظام حزبی است. اگر احزاب از فعالیت حزبی منسجم ناتوان باشند و کادری شخصیت محوری، جناح‌بازی و سیاست‌زدگی شوند، روشن است که راه به جایی نمی‌برند و نمی‌توانند کادری‌های مطلوب و مناسب بسازند. احزابی که در حال حاضر در



یک نظرسنجی جدید نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از دانشگاهیان و محققان مطالعات خاورمیانه در چندین دانشگاه آمریکایی، اشغال فلسطین توسط اسرائیل را به عنوان «واقعیت یک دولت مشابه آپارتاید» توصیف کرده‌اند. در مورد فلسطین، بدبینی نسبت به راه حل دودولتی همچنان روبه افزایش است و ۶۱ درصد دیگر باور ندارند که این راه حل ممکن است (در مقایسه با ۵۲ درصد در فوریه ۲۰۲۱ و ۵۷ درصد در سپتامبر ۲۰۲۱، زمانی که دودور قبلی نظرسنجی انجام شد)

این مقدار، کمی بیشتر از نظرسنجی فوریه ۲۰۲۱ (۵۹ درصد) است.

■ **سخن پایانی**

در یک نگاه کلی رژیم صهیونیستی سعی می‌کند با افزایش یورش و حملات بی‌رحمانه به مسجدالاقصی و دستگیری فلسطینیان وضعیت را به زعم خود در کنترل داشته باشد و پیامی به صهیونیست‌ها و شهرک‌نشین‌ها بدهد که جبهه داخلی را در کنترل دارد. اما واقعیت ماجرا به مراتب چیز دیگری است. واقعیت این است که کنترل کرانه باختری، هم از دست صهیونیست‌ها و هم تشکیلات خودگردان خارج شده است و هیچ کنترلی توسط دانشگاه مرلیند و بنیاد علوم سیاسی خاورمیانه در دانشگاه جورج واشنگتن انجام شد، از بین ۱۷۲۹ نفر صورت گرفت. در مورد فلسطین، بدبینی نسبت به راه‌حل دودولتی همچنان رو به افزایش است و ۶۱ درصد دیگر باور ندارند که این راه‌حل ممکن است. (در مقایسه با ۵۲ درصد در فوریه ۲۰۲۱ و ۵۷ درصد در سپتامبر ۲۰۲۱، زمانی که دو دور دیگر باور ندارند که این راه‌حل ممکن است. قبلی نظرسنجی انجام شد). در عین حال، ۶۰ درصد از افراد، واقعیت فعلی را به عنوان «یک کشور مشابه آپارتاید» توصیف می‌کنند.

آب‌و‌اجدادی خود هستند. حتی تحلیلگران آمریکایی هم به این جمع‌بندی رسیدند. یک نظرسنجی جدید نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از دانشگاهیان و محققان مطالعات خاورمیانه در چندین دانشگاه آمریکایی، اشغال فلسطین توسط اسرائیل را به عنوان «واقعیت یک دولت مشابه آپارتاید» توصیف کرده‌اند. این نظرسنجی که به‌طور مشترک توسط دانشگاه مرلیند و بنیاد علوم سیاسی خاورمیانه در دانشگاه جورج واشنگتن انجام شد، از بین ۱۷۲۹ نفر صورت گرفت. در مورد فلسطین، بدبینی نسبت به راه‌حل دودولتی همچنان رو به افزایش است و ۶۱ درصد دیگر باور ندارند که این راه‌حل ممکن است.

صهیونیست‌ها مهاجرت به جنوب و به سمت صحرای نقب است. این موج مهاجرت درون سرزمینی و بازگشت به مبدأ یکی از موضوعات فاحشی در سرزمین‌های اشغالی است به طوری که فقط در سال ۱۴۰۰ مهاجرت نسبت ۲۳ درصد رشد داشته است.

■ **پیامد پنجم:** با توجه به تحولات اخیر در

سرزمین‌های اشغالی عملاً راه‌حل غربی‌ها و کشورهای مرتجع منطقه برای تشکیل دوشکور و یا دودولت در سرزمین‌های اشغالی به‌طور کامل به پایان رسیده است. همچنین معاهده قرن (آبراهام) که در دوره ترامپ برای پایان دادن به نزاع فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها توسط آمریکایی‌ها طراحی شده بود کاملاً کارایی خود را از دست داده و مردم فلسطین با رویکرد راه‌بردار اخیر خود به راهبردها و رویکردهای صهیونیستی‌ها به‌طور مطلق نه گفته و به دنبال اخراج صهیونیست‌ها از سرزمین‌های

صهیونیست‌ها این را دریافته‌اند که برای اخراج کنند دیگر فقط راکت و موشک غزه کافی نیست و عملیات شهادت‌طلبانه در قلب مراکز صهیونیستی صورت می‌گیرد. در مجموع عملیاتی که در بازه زمانی ۱۸ روزه صورت گرفت (عملیات اول در بئرالسیع ۴ نفر، عملیات دوم در الخضریه ۲ نظامی، عملیات سوم در بنی براک تل آویو ۵ نفر و در عملیات چهارم و آخر در خیابان دیزنکوف ۳ نفر به هلاکت رسیدند) ۱۲ صهیونیست کشته شدند و این زنگ خطر بزرگ برای صهیونیست‌ها بود که دیگر هیچ مکانی در سرزمین‌های اشغالی برای صهیونیست‌های مهاجر وجود ندارد.

■ **پیامد سوم:** رژیم صهیونیستی در طول سال‌های گذشته برای تأمین امنیت خود در داخل (جبهه داخلی) هزینه‌های زیادی را صورت داده است. رژیم صهیونیستی بر این اساس با توجه به جعلی بودن این رژیم و برای محافظت از مهاجران خود، جبهه داخلی خود را شکل داد. جبهه داخلی عبارت از مجموعه عوامل و اقدامات رژیم صهیونیستی برای محافظت از خود در داخل سرزمین‌های اشغالی است. این جبهه اکنون به نقل از تحلیل‌گران صهیونیستی فروپاشیده و رژیم صهیونیستی در تأمین امنیت خود در داخل با مشکل جدی مواجه شده است. از سوی دیگر مانی‌های ایجاد شده در قلب تل آویو دیگر حیات روزمره صهیونیست‌ها را مختل کرده است. صهیونیست‌ها دیگر نمی‌دانند در چه زمانی و در چه موقعی، حیات خود را از دست می‌دهند. نگرانی و ترس طبق برآورد مراکز تحلیلی صهیونیست‌ها در طول مدت گذشته بشدت افزایش پیدا کرده و یکی از مطالبات اصلی صهیونیست‌ها از دولت بهبود، تأمین امنیت است.

■ **پیامد چهارم:** یکی از مسائل اصلی که رژیم صهیونیستی در این مدت با آن مواجه شده است و بر اثر حملات مقاومت فلسطین افزایش پیدا کرده، موج مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی به مبدأ خود و یا مهاجرت از مناطق اصلی صهیونیست‌ها در مرکز به مرکز رژیم صهیونیستی بیش از گذشته است. به گونه‌ای که به نقل از مراکز املاکی در قلب تل آویو و در خیابان دیزنکوف و بن گوریون صورت گرفت، ۳ صهیونیست کشته و چندین نفر مجروح شدند. بر این اساس